

سناریوی دشمن و فتنه‌های آینده

به‌کارگیری الگوها و رهیافت‌های نوین (و به‌اصطلاح نرم) در مقابل نظام جمهوری اسلامی ایران، سابقه‌ای به درازای سه دهه دارد. در پایان دهه اول انقلاب، ناکارآمدی روش‌های نظامی و امنیتی برای مقابله با پدیده جدید منطقه غرب آسیا، راهبردنویسان نظام سلطه را به الهام‌گیری از مدل دیالکتیک «تز و آنتی‌تز» در شکل‌دهی به رهیافت جدید براندازی وادار کرد. بر این اساس، توصیه گردید همان‌گونه که انقلاب اسلامی ماهیتی نرم و متکی به اراده و انگیزه‌های درونی دارد، آنتی‌تز و بدیل‌های آن نیز باید دارای چنین وضعیتی باشند. در همین راستا فاز اول براندازی نرم با شبیخون فرهنگی آغاز گردید و در نیمه دوم دهه هفتاد وارد فاز سیاسی (با پیاده‌سازی الگوی مشروعیت قهقرایی هانتینگتون) شد. فتنه ۸۸ به‌عنوان رهاورد ۲۰ ساله پروژه جنگ‌نرم، اوج بروز و تبلور نتایج این روند بود و علی‌رغم آنکه در صحنه سیاسی نتوانست پیروز میدان باشد، توجه اتاق‌های فکر استکبار را به عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی معطوف نمود.

تجربه پیاده‌سازی الگوهای متنوع براندازی اعم از شبیخون فرهنگی، براندازی سیاسی، شکاف‌سازی ملی و جنگ اقتصادی نشان می‌دهد دشمن در حوزه‌های مختلف منازعه، خود را آزموده و تجربه معتنا بهی را از نبرد نرم با ایران اسلامی اندوخته است. پیداست که دشمنی‌ها پایان نیافته و هرچه ظهور و بروز انقلاب اسلامی در عرصه‌های فراسرزمینی و معادلات منطقه‌ای و بین‌المللی بیشتر می‌شود احساس خطر سلطه‌گران برای مهار و مقابله با نظام اسلامی بیشتر می‌شود؛ بنابراین نباید آسوده ماند و دشمن را بیکار تلقی کرد. با بررسی شرایط محیطی اعم از ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و قرائن و شواهد موجود از رفتار سلطه‌گران بین‌المللی و تجویزات راهبردی اندیشکده‌های آنان می‌توان چارچوب طراحی آتی دشمن برای فتنه‌انگیزی و مقابله با جمهوری اسلامی را واکاوی نمود که در ادامه به‌طور اجمالی مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

تداوم پروژه فشار-تحریم و فتنه چندلایه

در نیمه دوم دهه ۸۰ که روند اقتدارافزایی ایران در سطح ملی و فراملی شتاب فوق‌العاده‌ای یافته بود، مهم‌ترین معمایی که ذهن اتاق‌های فکر غربی را به خود مشغول کرده بود، دکترین مناسب برای مهار و مقابله با این روند بود. پس از وقوع فتنه ۸۸، شمای کلی از گسل‌های اجتماعی که برای دشمن فرصت‌آفرین تلقی می‌شد، رخ نشان داد و فتنه‌گران، نشانی دقیقی از محل مناسب برای فتنه‌انگیزی‌های آتی را به دشمن دادند. وجود گسل‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در جامعه فضایی را برای ایجاد تقابل‌های مصنوعی و هدایت و اجرای پروژه شکاف ملی فراهم می‌آورد. بر همین اساس مدل «فشار-تحریم» با نسل جدیدی از تحریم‌های گسترده (که اصطلاحاً تحریم‌های فلج‌کننده خوانده شد) در دستور کار قرار گرفت.

هوشمندی رهبری در تاکتیک «نرمش قهرمانانه» عملاً مدلی که می‌توانست به سازش و تسلیم منتهی گردد را خنثی کرده و در قالب تجربه عبرت‌آموز «برجام» مهار نمود. امروزه هرچند بی‌نتیجه بودن برجام و خیالی بودن میوه‌های آن بر همگان تقریباً روشن شده، اما کاخ سفید و هم‌پیمانان غربی‌اش همچنان امیدوارند از این الگو برای مهار قدرت منطقه‌ای و بازدارندگی دفاعی جمهوری اسلامی ایران بهره بگیرند. در همین راستا الگوی «فشار، تحریم و مذاکره» همچنان در دستور کار دشمن قرار دارد.

البته سناریوی جدیدی که غرب برای پیاده‌سازی مجدد راهبرد یادشده در دستور کار دارد، چند ویژگی خاص دارد که لازم است مورد اشاره قرار گیرد:

۱- طراحی تحریم‌های پویا (ویروسی):

برخلاف تحریم‌های پیشین که حالت ایستا داشته و تنها بخش‌های مشخصی از فعالیت‌های اقتصادی و تجاری ایران را هدف می‌گرفتند، تحریم‌های جدید (که نمونه آن در قانون کاتسا پیش‌بینی شده است) اولاً محدود به مبادلات بیرونی ایران نشده و تلاش می‌کند با مبادلات درونی جامعه ایرانی هم نفوذ و تسری یابد و ثانیاً ماهیتی شبیه ویروس دارد؛ به این معنا که سعی در بزرگ شدن، تکثیر و افزوده شدن محیط اثرگذاری خود دارد. این

تحریم‌های نسل جدید، این فرصت را به طراحان آن می‌دهد که بنا بر سلیقه به‌صورت لحظه‌ای بتوانند دامنه اثرگذاری و آماج آن را افزایش داده و در فعالیت‌های اقتصادی داخل کشور هدف نیز دخالت نمایند.

در بُعد روانی نیز، اثربخشی تحریم‌های نسل جدید به‌مراتب بیش از تحریم‌های گذشته است. اساس اثرگذاری این تحریم‌ها روی «تحریم هراسی» نباشده و می‌کوشد به «خود تحریمی داخلی» بخش‌هایی همچون نهادهای انقلابی و نیروهای دفاعی کشور در فضای اقتصادی ایران منجر شود.

۲- سوءاستفاده از نارضایتی‌های اقتصادی و اجتماعی:

وجود ناکارآمدی‌های مدیریتی و اقتصادی که عدم رضایت اجتماعی را به دنبال دارد، مسئله جدیدی نیست؛ اما اکنون به دلیل وجود سوءمدیریت و سوءتدبیر حاد در برخی حوزه‌ها و بخش‌ها شاهد بروز اعتراضات طیف‌های متنوعی از مردم هستیم که هرکدام البته به دنبال احقاق حق خود هستند. این روزها تجمعاتی از سپرده‌گذاران مالباخته مؤسسات مجاز و غیرمجاز و کارگران بیکار شده یا چند ماه حقوق نگرفته تا بازنشستگان و کشاورزانی که در تأمین معیشت خود با مشکلاتی مواجه شده‌اند در خیابان‌های تهران و دیگر کلان‌شهرها می‌توان دید. متأسفانه گاه در مقابل این مطالبات به‌حق مردم که بعضاً از اقشار متوسط به پایین جامعه نیز هستند، هیچ‌گونه پاسخ معتبری در بیان و عملکرد مسئولان نیز مشاهده نمی‌شود و این خود بر پیچیدگی‌ها اوضاع می‌افزاید. وجود چنین بسترهای نارضایتی، محیطی مناسب برای ورود و فتنه‌انگیزی دشمن فراهم می‌آورد و احتمالاً بخشی از تلاش دشمن برای سوءاستفاده از همین اعتراضات خواهد بود.

۳- بی‌ثبات‌سازی سیاسی و امنیتی:

محور بعدی اقدام دشمن در حوزه بی‌ثبات‌سازی محیط داخلی و پیرامونی ایران، با استفاده از ابزارهای گوناگون در اختیار دشمن است:

الف) هدایت و اجرای جنگ نیابتی و تلاش برای انتقال تروریسم به داخل کشور

ب) شعله‌ور کردن آتش اختلافات سیاسی از طریق احیای فتنه با طرح موضوعاتی همچون رفع حصر و...

ج) ایجاد شکاف‌های مذهبی - قومی و هدایت فعالیت‌های گروهک‌های تجزیه‌طلبانه به داخل کشور

د) القای دوگانگی در حاکمیت و اتهام افکنی به‌سوی نهادهای انقلابی برای تخریب وجهه و کاهش سرمایه اجتماعی

هـ) مشغول‌سازی روانی و مسئله‌سازی کاذب برای جامعه ایرانی از طریق رسانه‌های نوین

باید خاطرنشان نمود همان زمان که ترامپ در سخنرانی جنجالی‌اش از راهبرد دولتش بر ضد جمهوری اسلامی ایران رونمایی کرد، اندیشکده «شورای آتلانتیک» از اتاق‌های فکر شناخته‌شده امریکایی در گزارشی تحت عنوان «گزینه‌های استراتژی آمریکا برای [مقابله با] چالش منطقه‌ای ایران» پیشنهادهایی را روی میز کاخ سفید گذاشت که تأملی گذرا در آن مفید است. این اندیشکده در سیاست تجویزی خود پنج راهبرد را به دولت ایالات متحده امریکا پیشنهاد می‌دهد که عبارت‌اند از: مهار حداقلی (Minimalist Containment)، مهار تقویت‌شده (Enhanced Containment)، هزینه‌سازی (Sandbagging)، پس‌راندن (Pushback) و تغییر رژیم (Regime Change). این اندیشکده در خصوص آخرین پیشنهاد خود یعنی «تغییر رژیم» می‌نویسد: «این استراتژی، گزینه‌ای پرخطر و پرفایده برای امریکاست، اما نمی‌توان آن را نادیده گرفت، چون موردعلاقه برخی در انتهای طیف جناح راست [راست‌گرایان افراطی] در واشینگتن است. منطق پشت این گزینه این است که مقامات ایران هرگز رفتار مشکل‌آفرین خود در غرب آسیا (خاورمیانه) را تغییر نخواهند داد، چراکه «هویت‌شان همین است»؛ حکومتی ایدئولوژیک که به‌طورجدی متعهد به صادر کردن آرمان‌های خود است و نمی‌تواند مانند یک دولت غیرانقلابی عمل کند. با در نظر گرفتن این عوامل و پذیرفتن این‌که نه مهار و نه بازدارندگی طی حدود چهار دهه گذشته، علیه جمهوری اسلامی کارساز نبوده است، واشینگتن ممکن است به این نتیجه برسد که مطمئن‌ترین و مؤثرترین روش برای پایان دادن به سیاست‌های منطقه‌ای خطرناک ایران، سرنگونی حکومت اسلامی آن و کمک به تشکیل حکومتی جدید در این کشور با ارائه انواع مختلف حمایت از نیروهای طرفدار

دموکراسی در داخل ایران، پروبال دادن به اقلیت‌های ناراضی در این کشور و انجام عملیات‌های خراب‌کارانه/جنگ سایبری علیه زیرساخت‌ها و تأسیسات دولتی در ایران است. دولت ترامپ حتی اگر تصمیم به اتخاذ کامل استراتژی تغییر حکومت نیز نگیرد، اما احتمالاً بخش‌هایی از این گزینه را به‌عنوان مکمل یکی از گزینه‌های قبلی عملی خواهد کرد.»

طراحان راهبرد غرب، امیدوارند با مجموعه اقداماتی که در سناریوی جدید علیه جمهوری اسلامی ایران انجام می‌دهند، اولاً محیط داخلی کشور را دچار درجه‌ای از بی‌ثباتی و آشوبناکی نمایند که مجالی برای نقش‌آفرینی نظام در منطقه غرب آسیا و شمال آفریقا باقی نماند و ثانیاً در اثر فشار فزاینده چندوجهی ملت ایران تسلیم اراده غرب شده و تضعیف اقتدار منطقه‌ای و دفاعی خود را در روندی مذاکراتی بپذیرند.

برای مقابله با فتنه پیچیده و چندلایه چه باید کرد؟

برای مقابله با سناریویی که اساس آن بر اختلاف‌افکنی و تقابل درونی در جامعه و حاکمیت کشور بنانهاده شده، یک اصل اساسی وجود دارد و آن لزوم «وفاق ملی برای مقابله و هم‌افزایی و هم‌راستایی همه ظرفیت‌ها برای این منظور» است. اگر چنین حالتی در سطح نخبگان و آحاد جامعه به وجود آید، خودبه‌خود بخشی از سناریوی دشمن ناکام می‌ماند. برای شکل‌گیری این وفاق و هم‌افزایی لازم است، نخبگان کشور به توطئه دشمن و بسترهای آن توجه نموده و ضمن درک و شناخت عمیق از آن، مردم را از این مسئله آگاه سازند. پس از ایجاد یک شناخت فراگیر در همه لایه‌های اجتماعی، لازم است مجموعه‌ای از اقدامات و فعالیت‌ها در دستور کار قرار گیرد که برخی از اهم آن‌ها عبارت‌اند از:

(۱) تلاش برای بی‌اثرسازی تحریم‌های اقتصادی با مقاوم‌سازی هرچه بیشتر اقتصاد و دست کشیدن از نگاه به بیرون برای پیشرفت

(۲) توجه به گله‌مندی‌ها اجتماعی اقشار گوناگون و برنامه‌ریزی برای حل مشکلات معیشتی و صنفی در بازه زمانی کوتاه‌مدت با بهره‌گیری از الگوی مدیریت جهادی

۳) پرهیز از دامن زدن به منازعات سیاسی بیهوده و امن‌سازی محیط شبکه‌های اجتماعی برای جلوگیری از تأثیرگذاری عملیات روانی دشمن

۴) هشیاری نهادهای امنیتی و اطلاعاتی نسبت به تحرکات دشمن در محیط پیرامونی و داخلی و همکاری گسترده مردم برای شکست جنگ نیابتی و فتنه‌های قومی-مذهبی

۵) توجه بیش‌ازپیش مدیران اجرایی به انجام هرچه بهتر وظایف ذاتی خویش به‌منظور کسب حداکثری رضایتمندی اجتماعی و پرهیز از ورود به تقابل با ارکان دیگر نظام

روشن است که راهکارهای لازم برای مهار فتنه چندلایه دشمن به این موارد ختم نمی‌شود، اما لازم است صاحب‌نظران و تحلیل‌گران به بررسی ابعاد گوناگون مسئله پرداخته و اقدامات مقابله‌ای لازم را طراحی و پیشنهاد نمایند.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.